

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۱۵

تاریخ بررسی: ۸۹/۹/۲

دوره ۷، شماره ۳

پاییز ۱۳۹۰

صص ۹۱-۱۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۲

بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (ع)

سیدبشتی*، یگانه منقش**

چکیده

یکی از اثرات بازی تقویت جسم است که در قرآن نیز نیرومندی جسمانی به عنوان یک امتیاز به شمار رفته است. ائمه معصومین (ع) نیز انجام بازی‌های رزمی و استقامتی را برای تقویت جسم مفید دانسته‌اند. تربیت عقلانی نیز از منظر قرآن و ائمه (ع) جایگاه والایی دارد. بنابراین از دوره کودکی باید به این امر توجه نمود. ارتباط کودک با اسباب بازی‌های متنوع، طبیعت، محیط و موجودات گوناگون در تربیت عقلانی کودک نقش بسزایی دارد و باعث می‌شود در بزرگسالی درست و نادرست را از هم تشخیص دهد. از راه همبازی شدن با کودک نیز می‌توان چگونگی کنترل عواطفی مانند خشم و محبت را به او آموخت. از راه‌های تربیت اخلاقی کودک، سوق دادن او به سوی بازی‌هایی با هدف‌های اخلاقی، تکریم کودک از طریق احترام به حق بازی کردن او و خواندن اشعاری با مضامین اخلاقی در حین بازی با کودک می‌باشد. بازی کودکان اگر به صورت دسته جمعی باشد، آنها را از گوشه‌گیری و انزوا رها کرده، حس مسؤلیت‌پذیری و همکاری را به آنها می‌آموزد. در قرآن و سیره ائمه (ع) نیز بر اهمیت جمع و جماعت تأکید شده است. ائمه (ع) نیز در امور جمعی شرکت کرده، حتی بازی در جمع کودکان را بر خود لازم می‌دانستند.

کلید واژه‌ها:

قرآن، سنت معصومین (ع)، تربیت، بازی

* دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی،

تهران، ایران

** کارشناس ارشد، گروه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه

Email: y.manteghi@yahoo.com

طباطبایی، تهران، ایران



مقدمه و بیان مسأله

اگر در اندیشه آن هستیم که فرزندانمان از شخصیت کاملی برخوردار شوند و در آینده نزدیک به دیدگاه‌های سنجیده دست یابند، باید مراحل مختلف رشد را به خوبی طی نمایند و دوران کودکی رضایت بخشی را سپری کنند تا به صورت افرادی شاد و سرزنده به زندگی مسرت بخش خویش ادامه دهند. یکی از راه‌هایی که در رشد کودک اهمیت ویژه‌ای دارد، برخورداری از فرصت کافی برای بازی آزاد است. بازی وسیله‌ای است برای یادگیری، آمادگی نسبت به زندگی، ابتکار، کسب موفقیت و سرشار شدن از شادی و نشاط، رشد اندام، اجتماعی شدن کودک، ارضای میل برتری جویی و خودنمایی، تسکین عواطف و بیرون ریختن ناراحتی‌ها، شناخت شخصیت کودک و رشد شخصیت او و مبارزه با رفتارهای اضطرابی کودک. به طور خلاصه، بازی، موجبات رشد همه جانبه کودک را در بعد جسمی، عاطفی، اجتماعی، عقلی و اخلاقی فراهم می‌آورد. در قرآن و روایات ما نیز به این مسأله مهم و حیاتی، اهمیت بسیار داده شده است، تا آن جا که در یکی از روایات به عنوان حق فرزند بر پدر، مطرح شده است. نکات زیر، مبین اهمیت تحقیق حاضر است.

اساسی بودن بازی برای رشد همه جانبه کودک، اهمیت بازی کودک در قرآن و سنت و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب جهت مقایسه دیدگاه اسلام با یافته‌های علمی جدید. در این مقاله، ابتدا پیشینه پژوهشی ارائه می‌گردد و سپس نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه نظریه پردازان و پس از آن نقش بازی در تربیت جسمانی، عقلانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی کودک از منظر قرآن و سنت معصومین (ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهشی

زهره سلیمان (۱۳۷۲) در تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر فعالیت‌های بدنی و بازی در تحول ذهنی کودکان پیش دبستانی" به این نتیجه رسید که میزان تحول ذهنی کودکانی که بازی‌های آموزشی را انجام داده‌اند، بیشتر از کودکانی است که این گونه فعالیت‌ها و بازی‌ها را نداشتند. محمدرضا مطهری (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان "شرحی بر جلوه‌های رفتاری امام خمینی (ره) با کودکان و نوجوانان" ارزش و اهمیت بازی از دیدگاه امام خمینی (ره) را تبیین نموده است.

خاطر نشان می‌شود در پژوهش حاضر، علاوه بر نقش تربیتی بازی از ابعاد مختلف، که به

نوعی در پژوهش‌های فوق نیز مطرح گردیده است، دیدگاه قرآن و سنت مورد تأکید می‌باشد.

۱. نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه نظریه پردازان

صاحب‌نظران، معتقدند که بازی در حیطه‌های مختلف باعث رشد کودک می‌شود.

الف) بازی و تربیت جسمی: کودک محروم از بازی یا کودکی که بازی نمی‌کند، از رشد و نمو سالم بدنی و روانی بهره‌مند نخواهد بود. بازی سبب می‌شود که تمام قسمت‌های بدن کودک رشد و نمو طبیعی خود را ادامه دهد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵). بازی، حواس پنجگانه کودک را تقویت می‌کند و مهارت‌های حرکتی او را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تا کودک بر حرکات کوچک (مانند انگشتان) و حرکات بزرگ (مانند حرکات بدن) خود تسلط یابد (انگجی و عسگری، ۱۳۸۵).

ب) بازی و تربیت ذهنی: بر اساس نظریات پیازه و ویگوتسکی، بازی اصلی‌ترین عامل رشد-شناختی-کودک است. همچنین یکی از پاک‌ترین روش‌های فکری قابل دسترس برای خردسالان می‌باشد (انگجی و عسگری، ۱۳۸۵). بازی به کودک کمک می‌کند که نیروهای ذهنی خود را به کار اندازد، محیط اطرافش را از جهات گوناگون بشناسد، توانایی‌هایش را عملاً بشناسد و بر تجارب خود بیفزاید. همچنین ضمن بازی یاد می‌گیرد که میان واقعیت و خیال فرق بگذارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵). بنابراین شیوه طبیعی یادگیری برای کودک، بازی کردن است. برای کودکان بازی کردن و یادگیری متضاد یکدیگر نیستند. کودکان از موقعیت‌های یادگیری که لذت بخش باشند، بهره می‌برند. مثلاً با استفاده از اسباب بازی‌های ساختمان سازی، کارکردن با پازل، دومینو و اسباب بازی‌های ریسمانی و جور کردن رنگ‌ها، جنس‌ها و شکل‌ها کودکان مهارت‌های اساسی را فرا می‌گیرند که بعدها آنها را قادر می‌سازد خواندن، نوشتن و شمردن را بیاموزند.

ج) بازی و تربیت عاطفی: می‌توان گفت محتوای بازی انتخابی کودکان، اغلب انعکاسی از خواست درونی آنهاست. کودک از طریق بازی مهر و علاقه، خشم و کین، تنش‌ها، ناکامی‌ها، ناامنی‌ها، ترس‌ها، آشفتگی‌ها و سردرگمی‌های خود را به نمایش می‌گذارد یا آنها را دور می‌افکند و یا این که آنها را کنترل می‌کند. به هر حال، از این طریق به نوعی آرامش عاطفی دست می‌یابد. با کسب آرامش عاطفی او قادر به تصمیم‌گیری منطقی‌تر می‌گردد (مهبجور،

۱۳۷۶، ص ۸۲). کودک در زندگی روزانه‌اش نیاز دارد، خود را از نگرانی‌هایی که فشار محیط در او ایجاد می‌نماید رها سازد. بازی بهترین وسیله او برای رسیدن به این هدف از راه تعبیر عواطف خود می‌باشد. کودک می‌تواند نیازها و امیال سرکوفته خود را از راه بازی‌های گوناگون ارضاء نماید (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۱۹۶).

د) بازی و تربیت اجتماعی: همه بازی‌ها به نحوی در رشد کودک تأثیر دارد. در این میان بازی‌های جمعی در رشد اجتماعی کودک اثر سازنده‌ای دارد. سی شور عقیده دارد: "بازی اصولاً اجتماعی است و یکی از هدف‌ها و بازده‌های آن ایجاد حس دوستی و معاشرت با دیگران است. یعنی در حقیقت بازی سازنده انسان اجتماعی است" (مهجور، ۱۳۷۶، صص ۷۶-۷۹).

آیت‌الله امینی معتقد بود: بازی، عواطف و احساسات اجتماعی کودک را بیدار ساخته، او را به سوی زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت‌ها سوق می‌دهد. کودک در ضمن بازی کردن، با جهان خارج آشنا می‌شود، حقایقی را درک می‌کند، طریق کار کردن و احتراز از خطرها و همکاری و تعاون با دیگران و تمرین و کارآموزی مهارت‌ها را فرا می‌گیرد. کودک در ضمن بازی‌های دسته جمعی رعایت حقوق دیگران و قوانین اجتماعی را یاد می‌گیرد.

۲. نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (ع)

الف) تربیت جسمانی: خداوند در قرآن کریم، به همه ابعاد زندگی بشری توجه نموده، راهنمایی‌های لازم برای سعادت انسان در دنیا و آخرت را مبذول داشته است. گاه در قالب یک داستان، پیام‌ها و نکات ارزشمندی نهفته است که انسان را به تفکر و تدبیر وا می‌دارد. بازی کودک نیز از جمله موضوعاتی است که به طور غیر مستقیم در سوره یوسف به آن سفارش شده است. در داستان آموزنده یوسف و برادرانش، از زبان برادران یوسف، چنین می‌خوانیم:

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ
وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (یوسف - ۱۱ و ۱۲)

گفتند: پدر، چرا درباره یوسف از ما ایمن نیستی؟ با این که ما خیرخواه او هستیم. او را فردا همراه ما بفرست تا بگردد و بازی کند و ما نگهبان اویم.

برادران یوسف می‌خواهند به پدر بگویند که: اگر یوسف را به دست آنها بسپارد، او را به صحرا می‌برند و در فضای آزاد، با او همبازی می‌شوند و به او فرصت گردش می‌دهند و در

عین حال، از او محافظت می‌کنند که دچار حادثه ناگواری نشود. معلوم می‌شود مطابق منطق آنها، امین و خیرخواه کودک، آن کسی است که کودک را به صحرا گردی، کوهنوردی، بازی و مسابقه ببرد و هر لحظه بر نشاط او بیفزاید و مانع افسردگی و ملالش گردد.

پس می‌توان گفت: مطابق این آیه انسان، نیازمند تفریح و ورزش است و قوی‌ترین منطقی که توانست حضرت یعقوب را تسلیم خواسته فرزندان کند، این بود که یوسف نیاز به تفریح دارد (قرائتی، ۱۳۷۸).

نکته دیگری که از این آیه استنباط می‌شود، این است که بازی، تحرک و ورزش بهتر است در هوای آزاد، محیط باز و فضای سبز صورت گیرد، نه در محیط دربسته و تنگ و به دور از طبیعت. بدین جهت برادران یوسف به پدر می‌گویند: "یرتع و یلعب: تا یوسف در چمن و مراتع بگردد و بازی کند."

پس یکی از عواملی که باعث می‌شود بازی تأثیر بیشتری در سلامت جسمانی کودک داشته باشد، برخورداری از هوای سالم و پاک است. محیط زندگی روستایی و عشایری، از این نظر که کودکان را از محیط باز و هوای آزاد محروم نمی‌سازد، ممتاز است (بهشتی، ۱۳۶۶).

همچنین در قرآن، شرح حال چند تن از قهرمانان بزرگ انسانی ذکر شده است که رهگشای جامعه مسلمین می‌باشند. از آن جمله، طالوت و نیرومندی جسمانی اوست که به عنوان یک مزیت و امتیاز در قرآن ذکر شده است. سوره بقره آیه ۲۴۶ می‌فرماید:

قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفِيَهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

گفت: خداوند وی را بر شما برگزیده و گنجایش دانش و جسمش را افزوده است و خدا پادشاهیش را به هر کسی خواهد، می‌دهد و خدا با وسعت (بی‌نیاز) و داناست.

دومین چهره‌ای که در قرآن از یک فرد ورزیده و متقی به تصویر کشیده می‌شود، حضرت داوود (ع) است. داوود شخصی قوی هیکل، نیرومند و شجاع بود. درباره حضرت داوود (ع) نوشته‌اند: هرگاه شیری به گوسفندان حمله می‌کرد، گردن شیر را می‌گرفت و گوسفند را از دهان شیر بیرون می‌کشید (بهشتی، ۱۳۶۶).

حضرت موسی (ع) یکی دیگر از چهره‌های شاخص در زمینه ورزیدگی و توانمندی در قرآن کریم است و خداوند در قرآن، وقتی می‌خواهد مصداق آمیزش قدرت و امانت را به

انسانها نشان دهد، از او یاد می‌کند (همان). موارد مذکور نشان می‌دهد، قرآن به تربیت جسمانی در کنار فضایل دیگر بها می‌دهد و مسلم است یکی از راه‌های مهم برای رسیدن به تربیت جسمانی، بازی و ورزش در دوران کودکی می‌باشد.

ائمه معصومین (ع) نیز به تربیت جسمانی کودک، اهمیت زیادی می‌دادند و سعی می‌کردند شجاعت، قدرت و استقامت را در خود و فرزندانشان بارور کنند.

پیامبر گرامی اسلام (ص)، اگر چه در کودکی یتیم بود، ولی تحت نظر بزرگترها، آن اندازه که می‌خواست بازی می‌کرد و روح و جسم خود را سالم و معتدل پرورش می‌داد. او وقتی که دوران کودکی را پشت سر می‌گذارد و مسئولیتی عظیم بر عهده می‌گیرد، سرشار از استقامت و قدرت است (بهشتی، ۱۳۶۶).

اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم داشته باشیم و همه افراد، از سلامت جسم و روح برخوردار باشند، باید به کودکان فرصت دهیم که از راه انواع بازی‌هایی که بر قدرت و نیروی آنها می‌افزاید، خود را قوی و سالم سازند.

کودکی که خوب بازی می‌کند، قوی می‌شود و کودکی که قوی می‌شود، تن به زبونی و خواری و ذلت نمی‌دهد. امام حسین (ع) نیز شاد و آزاد و متنوع بازی کرد و تحت نظارت مربیان، بلکه با همبازی شدن با آنها قدرت و استقامت در وجودش استقرار یافت. او در برابر لشگر هول انگیز بنی‌امیه و با وجود این که یاران بسیار کمی داشت، فرمود: "مرگ را جزء سعادت و زندگی با ستمکاران را جزء ننگ نمی‌بینم".

آثار عزت نفس، کرامت، غیرت و شرافتمندی کودکان در دوران جوانی و پیری آنها متجلی می‌شود و این امور، متأثر از بازی‌ها، محیط خانواده، اجتماع، تلقین‌ها و معاشرت‌هاست، چه بسا نقش بازی‌ها از بقیه بیشتر باشد؛ چرا که پذیرش و تأثر کودک، از راه بازی بسیار زیاد است (بهشتی، ۱۳۶۶).

امروزه کودکان مسلمان از نظر رشد روحی و بدنی باید به گونه‌ای مورد تعلیم و تربیت قرار گیرند که بتوانند در آینده به عنوان جوانی برومند، پارسا و دلاور از مرزهای کشور، دفاع کرده، در برابر دشمنان میهن اسلامی ایستادگی کنند. طبق این ضرورت، پیامبر (ص) می‌فرماید:

عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ

به فرزندان خود شنا و تیر اندازی یاد دهید (همان).

اسب سواری، تیراندازی و شنا، هم در سلامت جسمی و روحی افراد مؤثر است و هم نیروی رزمی آنها را پرورش می‌دهد. شنا برای کودکان، از زیباترین و شیرین‌ترین و دلپذیرترین بازی‌ها و سرگرمی‌ها می‌باشد و در عین حال از ورزش‌های مفید، سازنده و رزمی است. در ضمن شنا باعث می‌شود که کودک مبارزه با خطر و مواجهه با امواج بزرگ را به همراه درگیر شدن با موج‌های کوچک آب فرا گیرد، عضلاتش ورزیده شود، گنجایش ریویزش افزایش پیدا کند، نفس‌های عمیق‌تر شود، در موقع دمیدن بهترین استفاده را از اکسیژن هوا کند و در موقع باز دمیدن، بهترین نوع تخلیه گازها و سموم را از خلل و فرج ریه خود اعمال کند. شنا اگر توأم با مسابقه باشد، حتماً مفیدتر و دلپذیرتر خواهد بود؛ چرا که رقابت سالم بین کودکان، آن‌هم در محیطی پر از آب، ذوق و شوق و نشاط آنان را دوچندان می‌کند. وقتی کودکان در حال شنا را با دقت بنگریم و صدای خنده‌ها و جیغ و دادهایشان را گوش کنیم، احساس می‌کنیم آب، بهترین همبازی آنها است و انگار با تمام وجود از آن لذت می‌برند. همه این شادی‌ها و نشاط‌ها باعث می‌شود، کودکان بهتر رشد کنند و در زندگی آینده موفق‌تر و شاداب‌تر باشند. بهتر است ورزش‌هایی مانند شنا را از کودکی به فرزندانتان آموزش دهید؛ چرا که کودک از مجرای بازی و تفریح، بسیاری از امور را سهل و آسان فرا می‌گیرد.

امروزه باید مفهوم اسب سواری یا حتی شتر سواری، که این‌هم وسیله‌ای برای مسابقات بوده و شخص پیامبر (ص) نیز در آن شرکت می‌جسته است را توسعه داد، تا آن‌جا که شامل چرخ سواری، موتور سواری و تمرین رانندگی هم بشود. اگر در روزگاران قدیم شنای در آب مطرح بوده است، امروزه شنای در هوا هم مطرح است و بنابراین چتربازی و پرواز با هلیکوپتر و هواپیما، همه و همه قابل توجه می‌باشد. مسابقه پرش، کوهنوردی و بالا رفتن از ارتفاعات نیز می‌تواند در بازی‌های رزمی کودکان، جایی داشته باشد و برای بالا بردن قدرت جسمانی و استقامت آنها مؤثر واقع شود.

کشتی گرفتن نیز از جمله بازی‌ها و ورزش‌هایی است که در نیرومندی جسم، مؤثر می‌باشد. در روایت است که رسول خدا (ص) به حسنین (ع) فرمود: اکنون برخیزید و کشتی

بگیرید. بچه‌ها به مسابقه کشتی پرداختند، مادر از خانه بیرون رفته بود. وقتی به خانه برگشت، دید رسول خدا (ص) می‌فرماید: حسن حمله کن و حسین را بر زمین بیفکن. عرض کرد: پدر، چرا بزرگتر را بر کوچکتر تشجیع می‌کنی؟ فرمود: دخترم آیا راضی نیستی که حسن را تشجیع کنم؟ اینک جبرئیل هم ایستاده و حسین را تشجیع می‌کند (همان). از مجموع این سخنان، نتیجه می‌گیریم که بازی و ورزش - به خصوص اگر در هوای آزاد باشد - در تربیت جسمی کودک تأثیر بسزایی دارد.

ب) تربیت عقلانی: عقل در مفهوم عام عبارت از شناسایی یا تشخیص، ارزیابی، سنجش و قضاوت می‌باشد. برای کودکان نیز عقل در مفهوم عام معنا پیدا می‌کند و پرورش عقلانی کودک یعنی بالا بردن قوه تشخیص، ارزیابی و قضاوت در او.

واژه عقل و مشتقات آن ۴۹ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. خداوند در آیات بسیاری، تفکر و اندیشه در مظاهر هستی و پدیده‌های طبیعت را شاخص عاقلان شمرده است. همچنین روایات متعددی در اهمیت عقل و پرورش قوای عقلانی وجود دارد. به عنوان مثال امام علی (ع) بر شأن و منزلت ویژه عقل در وجود انسان، تأکید کرده و فرموده‌اند: "هیچ نعمتی برتر از عقل نیست" (بهشتی، ۱۳۸۶).

برای شکوفایی استعداد کودکان از همان طفولیت باید اقدام نمود. آشنا کردن کودکان با بازی یکی از عواملی است که در رشد شناختی کودک تأثیر داشته، آن را تسهیل می‌کند. البته عنصر اصلی برای کودک در بازی‌ها، احساس لذت است و اگر کودک در حین بازی، احساس لذت نکند، چیزی هم یاد نخواهد گرفت (همان). غزالی معتقد است بازداشتن کودک از بازی و اودار ساختن او به یادگیری مدام، دلش را می‌میراند، زندگی‌اش را بی‌نشاط می‌سازد و او را از یادگیری بیزار می‌کند (نجاتی، ترجمه بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳).

رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص)، این نکته را به پدران و مادران یادآور می‌گردد که اگر در فرزند خردسال خود، حالاتی خارج از حدود نظم و نزاکت و بیرون از مرز طاعت و انقیاد و بالاخره طغیان و سرگشی کودکان مشاهده کردند باید نسبت به آینده او شادمان گردند؛ چرا که وجود حالت فعال در کودک خردسال، نمایانگر فزونی خرد و اندیشه و کاربرد بیش‌تر و فزاینده آن در بزرگسالی اوست.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

«عَرَامَهُ الصَّبِيِّ فِي صِبْغِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»

شیطنت و لجاجت کودک به هنگام خردسالی، نشانه زیادی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است (مجلسی، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۴، ص ۳۷۸).

بسیاری از بازی‌ها در تکامل فکری و رشد هوشی کودکان مؤثر می‌باشند. مثلاً همین که کودک یاد می‌گیرد در بازی "جر" نزند و قانون بازی را رعایت کند، یعنی رشد عقلی پیدا کرده است؛ چرا که می‌داند پیامد عملش چه خواهد شد. بنابراین ذهنش را به کار می‌گیرد تا بدون جر زنی در بازی موفق شود. بازی‌هایی مثل چیدن پازل، خمیر بازی، خانه سازی و ... همه مستلزم تلاش ذهنی کودک است. حتی بازی کودک با خاک و گل نیز مستلزم بهره‌گیری از نیروی فکری است؛ چرا که کودک از فکرش استفاده کرده، اشکال مختلفی را خلق می‌کند. پیامبر (ص) فرموده است: «بگذارید بازی کنند، خاک چراگاه کودکان است» (بهشتی، ۱۳۶۶).

از مطالبی که در بالا ذکر شد، در می‌یابیم که چون بازی در کودکی با زندگی روزمره کودک در ارتباط است، عقل معاش او را رشد می‌دهد و همین امر زیربنای رشد دیگر سطوح عقلی او در بزرگسالی خواهد شد. در زیر، به نمونه‌هایی از بازی‌های فکری که در سیره معصومین (ع) آمده، اشاره شده است:

نمونه‌ای از بازی امام حسین (ع)

ابورافع یکی از افرادی بود که با امیرالمؤمنین (ع) روابط نزدیک داشت. این مرد، در حدی از صلاحیت بود که اجازه داشت با فرزندان خردسال حضرت نیز در ارتباط باشد. در کتب حدیث از وی چنین نقل شده است:

من با امام حسین (ع) گلوله بازی می‌کردم. او کودک بود. هر گاه، گلوله‌ام به گلوله‌اش می‌خورد، می‌گفتم: مرا بر دوش بگیر. به من می‌گفت: **أَتَرْكَبُ ظَهْرًا حَمَلَةً رَسُولُ اللَّهِ؟** می‌خواهی بر پشت کسی سوار شوی که پیامبر خدا او را بر دوش گرفته؟ من رهایش می‌کردم. هنگامی که گلوله او به گلوله من می‌خورد، می‌گفتم: همان گونه که تو مرا بر دوش نگرستی، من هم تو را بر دوش نمی‌گیرم. می‌فرمود: **أَمَا تَرْضَى أَنْ تَحْمِلَ بَدَنًا حَمَلَةً رَسُولُ اللَّهِ؟** آیا راضی نمی‌شوی بدنی را حمل کنی که پیامبر خدا او را حمل کرده؟ و من او را بر دوش می‌گرفتم (مجلسی، ۱۳۴۸، ج ۱۰۴ به نقل بهشتی، ۱۳۶۶).



بازی ابورافع پیرمرد و امام حسین (ع) در دوران خردسالی مبین دو مطلب است، یکی رفتار کودکانه ابورافع در برابر یک کودک، که سفارش اسلام هم همین است. دیگری تجلی کامل استعداد شگرف کودک در ضمن بازی و مسابقه. اگر این گونه بازی‌ها نباشد، استعدادهای کودک، عقیم و از تمرینات لازم برای ورود در زندگی پر پیچ و خم بزرگسالان محروم می‌ماند.

بازی‌های زمان کودکی امام صادق (ع)

از بازی‌های زمان کودکی امام صادق (ع) مطالبی نقل شده است که به بیان آنها می‌پردازیم. امام صادق (ع) هم در کودکی چون دیگر کودکان بازی می‌کرد، ولی نوع بازی‌های او با دیگران متفاوت و اغلب از نوع بازی‌های فکری بود.

در مدینه دو بازی اختصاصی برای کودکان وجود داشت که کودکان شهرهای دیگر از آن اطلاع نداشتند و در هر شهر اسلامی که یکی از این دو بازی بین کودکان متداول باشد، از مدینه اقتباس شده است.

بازی اول که جنبه آموزنده داشت، این بود که حضرت امام صادق (ع) می‌نشست و استاد می‌شد و کودکان دیگر شاگرد او می‌شدند و امام جعفر صادق (ع) می‌گفت: این چه میوه‌ایست که بر درخت می‌روید یا بر زمین می‌روید و رنگ آن در مثل قرمز است و طعم شیرین یا ترش دارد و موقع بدست آمدن میوه هم این فصل (یا فصل دیگر) می‌باشد.

این مضامین که ما در این جا به لفظ قلم می‌نویسیم، به زبان محاوره‌ای کودکان مدینه بیان می‌شد و کودکانی را که شاگرد حضرت امام صادق (ع) بودند، وادار به تفکر می‌کرد و در اندیشه فرو می‌برد و اگر در بین آنها کسی بود که می‌توانست اسم آن میوه را ببرد، از مرتبه شاگردی به درجه استادی می‌رسید و جای امام صادق (ع) را می‌گرفت و آن گاه حضرت به شاگردان می‌پیوست. اما دو سه دقیقه دیگر از جرگه شاگردان خارج می‌شد و باز استاد می‌گردید؛ چرا که باهوش بود و همین که استاد، مشخصات یک میوه را بر زبان می‌آورد، امام (ع) نام میوه را می‌برد.

بازی دیگر که آن هم مخصوص کودکان مدینه بود و در هر یک از شهرهای عرب اگر متداول باشد از مدینه اقتباس گردیده است، این ترتیب را داشت که یک استاد و چند شاگرد انتخاب می‌شدند و استاد، کلمه‌ای را بر زبان می‌آورد و در مثل می‌گفت: "الشراعیه" به معنای

ماده شتری که گردن دراز دارد. شاگرد هم کلمه "الشراعیه" را بر زبان می‌آورد و از آن به بعد شاگرد بایستی بدون انقطاع کلمه، الشراعیه را تکرار نماید و استاد برای این که او را به اشتباه بیندازد، پیاپی کلماتی بر وزن الشراعیه را بر زبان می‌آورد، بدون این که آن کلمه باشد و در مثل می‌گفت: الذراعیه، الذراعیه، الصفاعیه، الکفائیه و غیره.

ضرورت نداشت که استاد، کلماتی بر وزن الشراعیه بر زبان بیاورد که معنی داشته باشد، چون منظور این بود که شاگرد را دچار اشتباه کند و بنابراین پیاپی کلماتی دارای معنی یا بدون معنی بر وزن الشراعیه را تلفظ می‌کرد. اما شاگرد مجبور بود که بدون انقطاع و اشتباه بگوید الشراعیه و اگر یک بار دچار اشتباه می‌شد و کلمه‌ای دیگر را بر زبان می‌آورد، از بازی خارج می‌شد و استاد، بازی را با شاگرد دیگر شروع می‌نمود. اما کلمه‌ای دیگر را انتخاب می‌کرد و باز به همان ترتیب با تلفظ کلمات معنی دار یا بدون معنی، می‌کوشید که شاگرد را به اشتباه بیندازد (مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، ترجمه منصوری، ۱۳۵۸).

این بازی‌ها علاوه بر این که در پرورش هوش و قدرت تمرکز کودکان مؤثر بود، بعد اجتماعی رفتار آنها را نیز تقویت می‌کرد؛ چرا که در بازی‌های دسته جمعی، کودکان در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند.

ج) تربیت عاطفی: تربیت بعد عاطفی انسان، یکی از مهم‌ترین مقوله‌های تربیتی است؛ چرا که اگر شخصیت عاطفی کودک، درست و اصولی شکل گیرد، کودک دارای شخصیتی قوی و سالم می‌شود.

با یک نظر اجمالی در روایات اخلاقی و تربیتی اسلام نیز می‌بینیم که مسأله محبت و عاطفه از ارکان مهم تربیت فرزند شمرده شده است. پیامبر (ص) فرمود: «کودکان را دوست بدارید و آنان را مورد محبت و مرحمت قرار دهید» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۶۹۹).

برای پرورش عاطفی کودک می‌توان از بازی استفاده کرد؛ چرا که کودک با بازی کردن مهارت‌هایی را می‌آموزد که برای رشد عاطفی او مؤثر خواهد بود.

۱- مهارت‌های مؤثر سازش جوانه را برای ارتباط برقرار کردن با همبازی‌هایش یاد می‌گیرد.

۲- او می‌آموزد که به حقوق و احساسات دیگران احترام بگذارد.

۳- از ناکامی‌ها برای کسب پیروزی استفاده می‌کند.

۴- در ضمن بازی، آرامش و سکون پیدا می‌کند.

۵- ناراحتی‌ها و عقده‌هایش از میان می‌روند.

۶- با همبازی‌ها، الفت و انس پیدا می‌کند (قائمی امیری، ۱۳۶۴).

یکی از عواملی که باعث می‌شود، کودک از شور و نشاط لبریز شود و مستعد تأثیر پذیری بیشتری از کلام بزرگسالان گردد، این است که بزرگسالان پیش کودکان بچگی کنند تا موجبات رضایت و خوشحالی آنها را فراهم آورند. به همین جهت است که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:

مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ

هر کس که کودکی نزد اوست، باید برایش بچگی کند (عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵).

البته ذکر این نکته ضروری است که ضمن بازی هرگز نباید آنچنان با کودک مأنوس شد که بر ابهت والدین، لطمه وارد آید و یا پرده شرم و حیایی که بین کودک و مربی اوست، دریده گردد (قائمی امیری، ۱۳۶۴).

گاهی ما بزرگترها به خاطر بی‌حوصلگی و یا مشغله‌های روزمره، در برابر خواسته‌های معقول کودکان (مثلاً همبازی شدن با آنان)، خشمگین می‌شویم و آنها را از خود دور می‌کنیم که این امر، روح لطیف آنان را می‌آزارد. داستان زیر، بردباری و تواضع پیامبر (ص) در بازی با کودکان را نشان می‌دهد.

روزی رسول گرامی (ص) جهت اقامه نماز عازم مسجد شدند. در سر راه مسجد کودکان مهاجر و انصار مشغول بازی بودند. آنان با مشاهده پیامبر (ص) دست از بازی کشیدند و دوان دوان به سویش روی آوردند. هر یک از کودکان از دوش آن حضرت بالا می‌رفتند و در همان حال می‌گفتند: «کن جملی» (شتر من باش). کودکان می‌دانستند که نوه‌های رسول خدا (ص)، حسن و حسین (ع) نیز همیشه این بازی را با آن حضرت داشتند. رسول اکرم (ص) در کمال خوش‌رویی و تواضع به خواسته آنان تن داده، با مهر و محبت و رأفت پدرانه، خواهش آنها را بر آورده ساخت. از طرفی، یاران پیامبر (ص) در مسجد انتظار می‌کشیدند تا نماز عصر را به امامت ایشان برگزار کنند. بلال حبشی یار با وفای رسول خدا (ص) به خاطر تأخیر ایشان رو به خانه پیامبر (ص) آورد و همین که در سر راه، پیامبر (ص) را با این وضع با کودکان مشاهده

کرد، خواست تا از این کار ممانعت به عمل آورد و رسول گرامی (ص) را از دست کودکان برهاند، اما پیامبر (ص) او را از این کار بازداشت و در همان حال فرمودند: "برای من تنگ شدن وقت نماز از دلتنگی کودکان یارانم، خوشایندتر است".

رسول اکرم (ص) از بلال خواستند که به خانه ایشان برود و چیزی بیاورد که به وسیله آن، بچه‌ها را راضی کند تا از آن حضرت دست بردارند. بلال پس از جستجوی زیاد در خانه رسول اکرم (ص)، تعداد هشت عدد گردو پیدا کرد و به خدمت رسول (ص) آورد. پیامبر (ص) در حالی که با لبخند، حالت نورانی خاصی به چهره مبارکشان بخشیده بودند، خطاب به کودکان فرمودند: "آیا شترتان را به این گردوها می‌فروشید؟" کودکان هلله شادی به راه انداختند و گردوها را گرفته، دست از رسول گرامی (ص) برداشتند (مطهری، ۱۳۷۷). طبق این روایت، پیامبر (ص)، همبازی شدن با کودکان را با روی باز پذیرفتند و حتی تنگ شدن وقت نماز به خاطر بازی با کودکان نه تنها ایشان را به خشم نیاورد، بلکه دل مهربان آن حضرت را راضی و خشنود ساخت. ایشان این چنین کودکان را مورد محبت قرار می‌دادند و در تربیت عاطفی آنها کوشش می‌کردند. در روایت دیگری چنین آمده است: پیامبر خدا (ص)، حسین (ع) را دید که در کوچه با کودکان مشغول بازی بود. پیامبر (ص) جلو آمد و یکی از دست‌هایش را گشود. کودک، گاهی از این طرف و گاهی از آن طرف، از دست رسول خدا (ص) فرار می‌کرد و پیامبر (ص) به خنده گرم و دلنشین او می‌خندید. سرانجام او را گرفت. یکی از دست‌ها را زیر چانه کودک و دست دیگر را پشت سر او قرار داد و او را بالا آورد و بوسید و فرمود:

أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ وَ حُسَيْنٌ مِنِّي أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا. حُسَيْنٌ سَبِيٌّ مِنَ الْأَسْبَاطِ.

من از حسین و حسین از من است. هر کس حسین را دوست بدارد، خداوند دوستش دارد. حسین یکی از اسباط پیامبران است (مجلسی، ۱۴۰۳.ه.ق، ج ۱۰۴). مطابق این روایت، پیامبر برای جلب توجه کودک، بچگی می‌کند، دنبالش می‌دود و عملاً بر بازی و بازیگوشی‌اش صحنه می‌گذارد.

اگر بناست، کودک در آینده هم فکر و هم سنگر بزرگترها باشد و آنها را یار و غمخوار گردد و بر سر مکتب، راه و رسم، ایده و عقیده آنها پایدار بماند و حتی بذل جان کند، چاره‌ای



جز این نیست که بزرگترها نیز در دوران کودکی به او نزدیک و همبازی و یار و مددکارش باشند. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: پیامبر خدا (ص) بر چهار دست و پا راه می‌رفت و حسنین سوارش بودند و می‌فرمود: **نِعْمَ الْجَمَلَانِ جَمَلَكُمَا وَ نِعْمَ الْحَمَلَانِ أَنْتُمَا**. مرکب شما مرکب خوبی است و شما بر دوش این مرکب، بار خوبی هستید (همان). پس می‌توان نتیجه گرفت بازی با کودکان آنها را سرشار از نشاط می‌کند و همین امر در تربیت عاطفی کودکان بسیار مؤثر خواهد بود.

د) تربیت اخلاقی: همه عناصر دین اسلام اعم از اصول و فروع، در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و ... در مکارم اخلاق تجلی یافته است و اساس رسالت رسول اکرم (ص) در تمامیت بخشیدن به این مکارم است. پس به جاست هدف غایی تربیت را تحقق فضایل اخلاقی در انسان ذکر کنیم و آموزش و پرورش جامعه خود را با این چشم انداز بنگریم.

کودکان اغلب بخشی از اوقات شبانه روز خود را صرف بازی می‌کنند و از آن طریق، ضمن کسب آمادگی برای مواجهه با مسایل زندگی و آشنایی با راه و رسم آن، بخشی از ناسازگاری‌ها و نابهنجاری‌های خود را از دست داده، موجبات رشد همه جانبه شان فراهم می‌شود. در سایه بازی می‌توان صفات اخلاقی و اجتماعی فراوانی را به او آموخت. مثلاً کودک در ضمن بازی در می‌یابد که برای موفقیت نمی‌تواند تکروی کند و باید از بخشی از خواسته‌های خود به نفع دیگران صرف نظر کند. کودکی که ترسو و بزدل است، از طریق بازی می‌تواند شجاع و با شهامت بار آید. مثلاً بازی قایم موشک، آن هم در شب، خود می‌تواند ترس او را از تاریکی تعدیل کند و یا از بین ببرد؛ چرا که کودک ناگزیر است در گوشه‌ای پنهان شود و در تاریکی قرار و آرام گیرد. بازی‌هایی که در آن، جنگ و ستیز تصنعی، درگیری و مقابله است، به کودک روحیه می‌دهد و او را قادر به مقابله و دفاع از خود خواهد کرد. بازی به کودکان می‌آموزد که زندگی، یک داد و ستد است، در ازای دریافت خدمتی باید خدمتی برای دیگران انجام داد. اگر چیزی از کسی می‌گیریم، باید چیزی هم در مقابل به او بدهیم و گر نه اجتماع، وجود ما را تحمل نخواهد کرد (قائم امیری، ۱۳۶۴). به هر حال، بازی، میدانی تمرینی برای ارزش‌گذاری و جهت‌گیری تمام رغبت‌ها، هیجان‌ها و عواطف و گرایش‌های فطری کودک است و مفاهیمی چون نوع دوستی، تعاون، ایثار، فداکاری، گذشت، صبر و

استقامت را به طور ناخودآگاه به او می‌آموزد. مهمترین عاملی که انگیزه‌های کودک را در مسیر رشد صحیح قرار می‌دهد، گنجاندن ارزشهای اخلاقی در بطن بازی‌های پرورشی نشاط‌انگیز است. این ارزشها باعث می‌شود که کودک از بازی، لذت ببرد و برای رسیدن به آنها تلاش کند. کودک در هنگام لذت بردن از بازی با معانی ارزشهای اخلاقی، ارتباط برقرار می‌کند و این ارتباط بین ارزش و لذت، پلی است تا کودک را در زندگی نیز فردی معتقد و مقید به اصول اخلاقی بار آورد. یکی از فضیلت‌های اخلاقی "گذشت" می‌باشد. مثالی که در زیر آمده است، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان این فضیلت اخلاقی را در قالب بازی به کودک آموزش داد:

پدر یا مادر یک بازی را که نیاز به رعایت نوبت دارد (مثلاً پرتاب حلقه)، با فرزندش آغاز می‌کند. قرار می‌گذارند که هر کس، تعداد دفعات بیشتری حلقه را در جای خودش بیندازد، برنده شده، جایزه‌ای نصیبش می‌شود. کودک برای رسیدن به جایزه همه تلاش خود را به کار می‌برد. هر کس نتواند حلقه را درست پرتاب کند، نوبت به طرف مقابلش می‌رسد. حال در این کشاکش، پدر یا مادر می‌توانند گاهی نوبتشان را به کودک بدهند و برق شادی را در چشمان او نظاره‌گر باشند. کودک با این کار، فضیلت «گذشت» را بدون این که نامش را بداند، با جان و دل احساس می‌کند و از آن لذت می‌برد؛ چرا که امید به برنده شدن و کسب جایزه را در او بیشتر کرده است. این آموزش غیر مستقیم اخلاقی چون همراه با شادی و لذت بوده است، هیچگاه از یاد کودک دلبندمان نمی‌رود.

دیگر از فضایل اخلاقی "صبر و شکیبایی" است که خداوند در قرآن کریم ما را به آن امر کرده است. گاهی ما بزرگترها در برابر رفتارهای کودکان بی‌صبری نشان می‌دهیم و حتی حق بازی کردن را نیز از آنها می‌گیریم. در صورتی که پیامبر گرامی اسلام (ص) با شکیبایی، اجازه بازیگوشی و شیطنت را حتی در حین نماز به کودکان می‌دادند. با این که خضوع و خشوع در نماز و محافظت و مراقبت برای هر چه بهتر انجام دادن آن از ویژگی‌های برجسته رهبر عالیقدر اسلام است، با این وجود، هیچوقت نماز پیامبر برای کودکان، مایه رنج و آزار نبود بلکه در همان حال نیز آنها مجاز بودند که بازی کنند (همان).

لیث بن سعد می‌گوید: روزی پیامبر (ص) با گروهی نماز می‌گزارد. حسین (ع)، کودک خردسالی بود و در آن جا حضور داشت. هنگامی که پیامبر به سجده می‌رفت، حسین می‌آمد و بر پشتش سوار می‌شد و پاهای خود را تکان می‌داد و می‌گفت: "حل حل"، هنگامی که پیامبر

می‌خواست از سجده برخیزد، او را می‌گرفت و در کنار خود می‌نهاد. باز هم وقتی به سجده می‌رفت، کودک بر پشتش سوار می‌شد و می‌گفت: "حل حل". این کار ادامه یافت تا نماز به پایان رسید. یکی از یهودیان گفت: شما با کودکان رفتاری می‌کنید که ما نمی‌کنیم. پیامبر (ص) فرمود:

أَمَا لَوْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَرَحِمْتُمُ الصِّبْيَانَ.

شما هم اگر به خدا و پیامبرش ایمان داشتید، به کودکان رحم می‌کردید.

یهودی با دیدن این همه بزرگواری و محبت از شخصیت والا مقامی چون پیامبر، چنین گفت: من به خدا و رسولش ایمان آوردم (همان). ما مسلمانان نیز باید پیامبر (ص) را الگوی خود قرار دهیم. اگر با کودکان، برخوردی کریمانه داشته باشیم و در مقابل رفتارهای کودکانه آنها و بازیگوشی‌هایشان صبر پیشه کنیم، عملاً در راه تربیت اخلاقی آنها قدم برداشته‌ایم. اگر کودکان در حین بازی اخلاق پسندیده‌ای را بیاموزند، همواره به یادشان می‌ماند و سعی می‌کنند خودشان را آراسته به آن اخلاق نیک نمایند. در روایتی که ذکر شد، پیامبر (ص) به خاطر اهمیتی که برای بازی کودکان قائل بودند، صبر کردند تا بازی آنها تمام شود و سپس نمازشان را ادامه دادند. با این کار هم به بزرگترها و هم به کودکان فضیلت "صبر و شکیبایی" را یادآور شدند. بنابراین اگر در بازی کودک حتی در حین نمازمان، خللی وارد نکنیم و بگذاریم با آسودگی بازی‌اش را به اتمام برساند، در حقیقت به او آموخته‌ایم که در برخورد با کوچکتر از خودش، تحمل داشته باشد و زود از کوره در نرود. همچنین از نماز، خاطره‌ای شیرین در ذهنش باقی می‌ماند.

یکی از اصولی که در مورد فرزندان باید رعایت کنیم، اکرام آنهاست. پیامبر (ص) می‌فرماید:

أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَكُمْ

فرزندانتان را اکرام دارید و آدابتان را نیکو سازید (بهشتی، ۱۳۶۶)

اگر در تربیت کودک از کرامت ذاتیش غافل بمانیم، هم او را تباه کرده‌ایم و هم خود را. باز داشتن کودک از مطلق بازی، تکریم نیست، بلکه تکریم او در این است که بگذاریم در ضمن بازی‌های معقول، جوش و خروش و خودسازی و رشد صحیح داشته باشد. باید بپذیریم که او زنده است، آن هم زنده‌ای پویا و شتابان در راه کامل شدن و رفع نقص‌ها و کمبودها و آن که خاموش و آرام است، مرده است. اول باید به کودک ارزش و شخصیت داد، سپس از او انتظار

کارهای مثبت، مفید و اخلاق والای انسانی داشت (همان).

در روایت دیگری آمده است: پیامبر (ص) در حال سجده بود و امام حسن (ع) بر گردش سوار شده بود. سجده پیامبر خدا طولانی شد. پس از نماز، اصحاب گفتند: فکر کردیم حادثه‌ای اتفاق افتاده یا وحی نازل شده است، فرمود:

كُلَّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ وَ لَكِنْ ابْنِي ارْتَحَلَنِي فَكَرِهْتُ أَنْ أُعَجِّلَهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ

هیچکدام این‌ها نبود. بلکه فرزندم بر من سوار شده بود و من خوش نداشتم که در کار او تعجیل کنم تا این که کارش را تمام کند (همان).

طبق این روایت، پیامبر (ص) با احترام به حق بازی کودک، ضمن تکریم وی، احترام به حقوق و شخصیت انسان‌ها را به او آموخت.

در روایت دیگری آمده است: حضرت زهرا (س)، امام حسن (ع) را در دوران کودکی و شیرخوارگی ترقص می‌داد و در آن حال چنین می‌فرمود:

إِشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنَ وَاخْلَعْ مِنَ الْحَقِّ الرَّسْنَ
وَاعْبُدِ الْهَأَ دَامِنَ وَلَا تُؤَالِ ذَا الْإِحْنَ

ای حسن، شبیه پدرت باش و قید و بند را از حق، خلع نما و خدایی که صاحب منت‌ها و نعمت‌ها است، پرستش کن و با کینه توزان دوستی مکن (همان).

همه این فرازها قابل دقت و تأمل است. اگر به کودک خردسالی بگویند شبیه پدرت باش، چه مفهومی دارد؟ پیام دلنشینی است که الگو می‌سازد.

اگر مادری در ضمن بازی دادن به کودک، این سرود را زمزمه کند که باید قید و بند را از حق خلع کنی، چه معنایی دارد؟ آیا مقصود از این گفتار، جز این است که حق را باید بدون هیچ قید و شرطی قبول کرد؟ همچنین مادر در حین بازی کردن با کودک، او را به خلق و خوی خدا پرستی دعوت و سرود یکتا پرستی در گوش جان او زمزمه می‌کند و بالاخره به او می‌آموزد که با کینه توزان دوستی نکند.

این خلقیات پسندیده را چگونه می‌شود به کودک خردسال بازیگوش القاء کرد؟ کدام کلاس برای کودکان، بهتر از کلاس بازی است و کدام معلم و مربی بهتر از مادری است که از طریق بازی کردن با کودک، باب همه فضایل، معارف و کمالات را به روی فرزندش



می‌گشاید؟ (بهشتی، ۱۳۶۶)

ه) **تربیت اجتماعی:** اسلام، دینی است که همه برنامه‌هایش هم آهنگ با رشد اجتماعی است؛ چرا که از نظر وجودی و اجتماعی، انسان، به دیگران احتیاج دارد. اسلام که آئینی مطابق فطرت است، در دستورات خود، انسانها را به تعاون و همکاری دعوت کرده است (رشیدپور، ۱۳۶۶). برای نهادینه کردن روحیه همکاری در وجود انسان، باید از کودکی و از طریق بازی‌های دسته جمعی به این کار اقدام نمود.

در حقیقت گرایش به اجتماعی شدن کودک، تنها با اسباب بازی تأمین نمی‌شود بلکه همبازی و بازی دسته جمعی می‌خواهد. بزرگترها باید سعی کنند کودک را از کانال بازی‌های اجتماعی وارد اجتماع کنند. در بازی دسته جمعی، کودک عادت به همکاری و تعاون و حتی ستیز و مبارزه می‌کند و به نظام و انتظام زندگی و مقید بودن به برنامه زمان بندی شده و دقت عمل، خو می‌گیرد.

در بازی‌های دسته جمعی کودکان، حتماً باید دقت و نظارت بیشتری باشد؛ چرا که کودکان ناباب و اطفالی که شرایط خانوادگی نامتناسبی دارند، به شدت در روحیه پاک سایر کودکان تأثیر می‌گذارند. شاید علت این که پیامبر گرامی اسلام (ص)، اغلب خودش همبازی حسنین می‌شد، همین بود که نگذارد کودکان ناباب با آنها بازی و معاشرت کنند (بهشتی، ۱۳۶۶).

می‌توان گفت بازی دسته جمعی، زمینه‌ای برای دوست‌یابی نیز می‌باشد و مقدمه‌ای برای زندگی دوستانه و صمیمانه در جامعه است. چه بسیارند کسانی که از دوره بازی دوستانی بدست آورده‌اند که جز مرگ، هیچ نیرویی آنها را از هم نبریده است.

در انتخاب دوست، شباهت میان بچه‌ها عامل مهمی است. علت انتخاب رفیق از میان همسن‌ها و همکلاس‌ها این است که بچه‌ها میل دارند از لحاظ سن، هوش و معلومات با رفقای خود در یک سطح باشند. پاره‌ای از خصوصیات اخلاقی و اجتماعی نیز در انتخاب رفیق مؤثر است. اغلب بچه‌ها سعی دارند رفقای خود را از میان افراد مهربان، آماده به همکاری، گشاده‌رو، بخشنده، محتاط و ورزشکار انتخاب کنند و همه این خصوصیات را در بازی، بهتر می‌توان زیر نظر گرفت.

بنابراین، پدران و مادران باید با همه وجود تلاش کنند تا فرزندانشان، معاشران و هم بازی‌های خوبی برای خود انتخاب کنند (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۸۰). یکی از

درس‌هایی که از آیات سوره یوسف می‌گیریم، این است که لازم است در انتخاب همبازی‌ها دقت شود که مبادا با غفلت و شیطنت خود، کودک را دچار حادثه شومی کنند (بهشتی، ۱۳۶۶). اگر پدران و مادران در برخی اوقات همبازی کودک شوند، در این صورت فرزندان با والدین خود دوست می‌شوند و به آنان علاوه بر این که به دید پدر و مادر و بزرگتر نگاه کنند، به دید یک رفیق نیز می‌نگرند. این احساس یگانگی و همرنگی و رفاقت با پدر و مادر، ثمرات زیادی در آینده خواهد داشت و وقتی فرزند در سنین جوانی، احتیاج به مشاوره پیدا کند، قبل از هر کس، پدر و مادر خود را مشاور قرار می‌دهد و دلسوزتر از آنان کسی را نمی‌بیند (غروی، ۱۳۷۴).

کودکانی که به طور دسته جمعی بازی می‌کنند ناخودآگاه، تمرین مدیریت می‌نمایند. نقل شده است که امام صادق (ع) وقتی به دو سالگی رسید، شمشیری کوچک و چوبی به دست می‌گرفت و با کودکان دیگر رقص شمشیر، که از بازی‌های کودکان (و بزرگسالان) عرب می‌باشد، می‌کرد. مادرش، ام فروه در موقع بازی، او را تشویق می‌کرد و این اشعار را برایش می‌سرود:

اِبْشِرُوا حَبَا حَبَا، قَدْ طَالَ نَمَا، وَجَهَّهُ بَدْرُ السَّمَاءِ

بشارت باد شما را که قامت او بلند می‌شود، رشد می‌کند و چهره‌اش چون ماه شب چهارده می‌باشد (مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، ترجمه منصوری، ۱۳۵۸).

کودکی که از تشویق‌های مادر برخوردار است، در بازی‌ها هم نقش مدیریت به خود می‌گیرد و استعداد مدیریتش متجلی می‌شود. دو نمونه از بازی‌های فکری که در بخش قبل ذکر شد، از بازی‌های مدیریت به حساب می‌آید. در ضمن، در بازی‌های دسته جمعی می‌توان حس مسئولیت‌پذیری را نیز در کودکان تقویت نمود. به داستانی در این رابطه توجه کنید.

روزی که شروع به تجدید بنای مسجد مدینه کردند، امام جعفر صادق (ع) یک کودک پنج ساله بود و اگر تاریخ تولد او طبق بعضی از روایات، سال ۸۰ هجری باشد در آن تاریخ هشت سال از عمرش می‌گذشت و به پدرش گفت که من باید در کارهای ساختمان این مسجد شرکت کنم. پدرش به او گفت: تو کودک هستی و نمی‌توانی در کارهای بنایی شرکت کنی. امام جعفر (ع) جواب داد: من میل دارم که مثل جدم پیغمبر (ص)، در کارهای ساختمان این



مسجد شرکت نمایم. امام محمد باقر (ع) هم موافقت کرد که پسرش در کارهای بنایی شرکت نماید. بعضی گفته‌اند که شرکت امام جعفر صادق (ع) در کارهای بنایی مسجد، ناشی از علاقه‌ای است که هر کودک به گل بازی و خاک بازی دارد و در هر خانه که بنایی بشود کودکان با خاک و گل و خشت بازی می‌کنند. اما شرکت امام جعفر صادق (ع) در کارهای بنایی، شکلی غیر از بازی داشت و او به اندازه جثه کوچک و توانایی محدودش به کارگران بنایی کمک می‌کرد و دیده شد که کودکان به مسجد آمدند و او را برای بازی در خیابان دعوت کردند و نپذیرفت و گفت می‌خواهم در مسجد کار کنم (همان). این موضوع نشان می‌دهد که کودک، حتی در این سن و سال توانایی پذیرش مسئولیت را دارد.

به طور خلاصه از منظر آموزه‌های دینی ما، بازی، مهارت‌های اجتماعی را پرورش داده، حس مسئولیت‌پذیری و مدیریت را تقویت می‌کند و کودکان را برای انتخاب دوستانی شایسته یاری می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت نقش بازی در تربیت همه جانبه کودک در مطالعات و پژوهش‌های بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است و همه شواهد عینی و تجربی، بازی را عاملی اساسی در رشد همه جانبه کودک قلمداد کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش، روشن می‌سازد که نظر اسلام در مورد بازی کودکان با بسیاری از یافته‌های علمی جدید همخوانی دارد. اگر خانواده‌ها و به خصوص والدین، با سیره تربیتی ائمه (ع) در مورد بازی با کودکان آشنا شوند و توصیه‌های آئین مقدس اسلام را در مورد این مقوله جدی بگیرند، در امر تربیت کودکانشان بسیار موفق خواهند بود.

به طور خلاصه می‌توان گفت از منظر قرآن و سنت معصومین (ع)، بازی در تربیت جسمانی، عقلانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی کودک تأثیر بسزایی دارد و موجب ورزیده شدن عضلات، تمرین نیرومندی و استقامت، سهولت در انجام فرایض دینی، استقامت در برابر ترس‌ها و اضطراب‌های روانی، عدم سلطه‌پذیری، شادابی و نشاط روحی، رشد قوای تعقل در کودک به وسیله بازی‌های فکری، تشخیص اندیشه‌ها و افعال درست و نادرست و رشد عقل معاش کودک و در نتیجه رشد دیگر سطوح عقلی او در بزرگسالی، کنترل عواطفی همچون خشم و حسد، الفت با همبازی‌ها، از بین رفتن ناراحتی‌ها و عقده‌ها، احساس آرامش و نشاط،

انتقال آداب و رسوم اخلاقی، اجتماعی و دینی به کودک، آموزش مفاهیمی چون نوع دوستی و تعاون، توانایی ارتباط با دیگران، رهایی از انزوا، گوشه گیری و افسردگی و آموختن مهارت های اجتماعی مانند همکاری و دوست یابی خواهد شد. این تأثیر از راه انجام بازی های رزمی مانند شنا و تیراندازی، انجام بازی های استقامتی نظیر دو و پرش، شرکت در مسابقات ورزشی و نیز ارتباط کودک با اسباب بازی های متنوع، طبیعت و محیط و همچنین با محبت صحیح، همبازی شدن با او برای یاد دادن مهارت های سازش جویانه، سوق دادن کودک به سوی بازی های هدفدار به لحاظ اخلاقی، گنجاندن ارزش های اخلاقی در بطن بازی های نشاط انگیز، استفاده از اشعاری با مضامین اخلاقی در حین بازی با کودک و تکریم کودک از طریق احترام به حق بازی کردن او امکان پذیر می باشد.



منابع

- استادان طرح جامع آموزش خانواده. (۱۳۸۰). *خانواده و فرزندان در دوره ابتدایی* (چاپ چهاردهم). تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- الهی قمشه‌ای، م. (مترجم). (۱۳۷۴). *قرآن مجید* (چاپ پنجم). تهران: انتشارات پیام آزادی.
- انگجی، ل.، عسگری، ع.، نجفیان، ه. (۱۳۸۵). *بازی و تأثیر آن در رشد کودک*. تهران: انتشارات طراحان ایماژ.
- بهشتی، ا. (۱۳۶۶). *اسلام و بازی کودکان*. تهران: انتشارات اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش.
- حر عاملی، م. ب. ح.، ربانی شیرازی، ع. (۱۳۸۷). *وسایل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه*. تهران: انتشارات اسلامیة.
- رشیدپور، م. (۱۳۶۶). *رشد اجتماعی از نظر اسلام*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- سلمان، ز. (۱۳۷۲). *بررسی تأثیر فعالیتهای بدنی و بازی در تحول ذهنی کودکان پیش دبستانی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شعاری نژاد، ع. ا. (۱۳۷۵). *مبانی روان‌شناختی تربیت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- غروی‌ان، ح. (۱۳۷۴). *تربیت فرزند*. تهران: موسسه انتشارات نبوی.
- قائمی امیری، ع. (۱۳۶۴). *تربیت و بازسازی کودکان*. تهران: انتشارات امیری.
- قرائتی، م. (۱۳۷۸). *تفسیر نور* (جلد ششم). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳). *ق. بحار الانوار* (چاپ دوم). بیروت: موسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، م. (۱۳۷۹). *میزان الحکمه* (جلد دهم). قم: انتشارات دارالحدیث.
- مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ فرانسه. (۱۳۵۸). *مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق*. ترجمه ذ. ا.، منصوری. تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان.
- مطهری، م. (۱۳۷۷). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.

- مطهری، م. ر. (۱۳۷۷). شرحی بر جلوه‌های رفتاری امام خمینی رحمه الله با کودکان و نوجوانان. مجله دیدار آشنا، ص ۱۶.
- مهجور، س. ر. (۱۳۷۶). روان‌شناسی بازی. شیراز: انتشارات راهگشا.
- نجاتی، م. ع. (۱۳۸۵). روانشناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان. ترجمه س.، بهشتی. تهران: انتشارات رشد.

The role of playing in children's education: viewpoints of Quran and Imams

*S. Beheshti**, *Y. Manteghi***

Abstract

One of the effects of playing is body strength. Quran considers body strength as an advantage. In addition, Imams have believed martial and endurance games to be useful in strengthening the body. Mental education is very important in the viewpoint of Quran and Imams. It therefore should be taken into account during the childhood. Children's relations with various toys, the nature, the environment and different animals have important roles in their mental education. They would as a result be able to distinguish between bad and good during adulthood. A proper way to teach children how to control their childish behavior and anger is to play purposeful games. Not only children's right to play needs to be respected, they also have to be encouraged to play games with moral aims and be presented with moral poets during games. Group games would lead children to be social and to learn responsibility and coordination. Quran and Imams have also emphasized on the importance of social activities.

Key words:

Quran, Imams, Education, Playing

* PhD, Associate Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, School of Educational Sciences and Psychology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

** MSc, Department of Education Philosophy and History, School of Educational Sciences and Psychology, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran Email: y.manteghi@yahoo.com